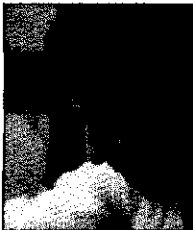


چونان نسیمی میان درختان

کورو
C O R O T



مصطفی مهاجر

دستهای پنهان من که جوانیشان ابدی است...

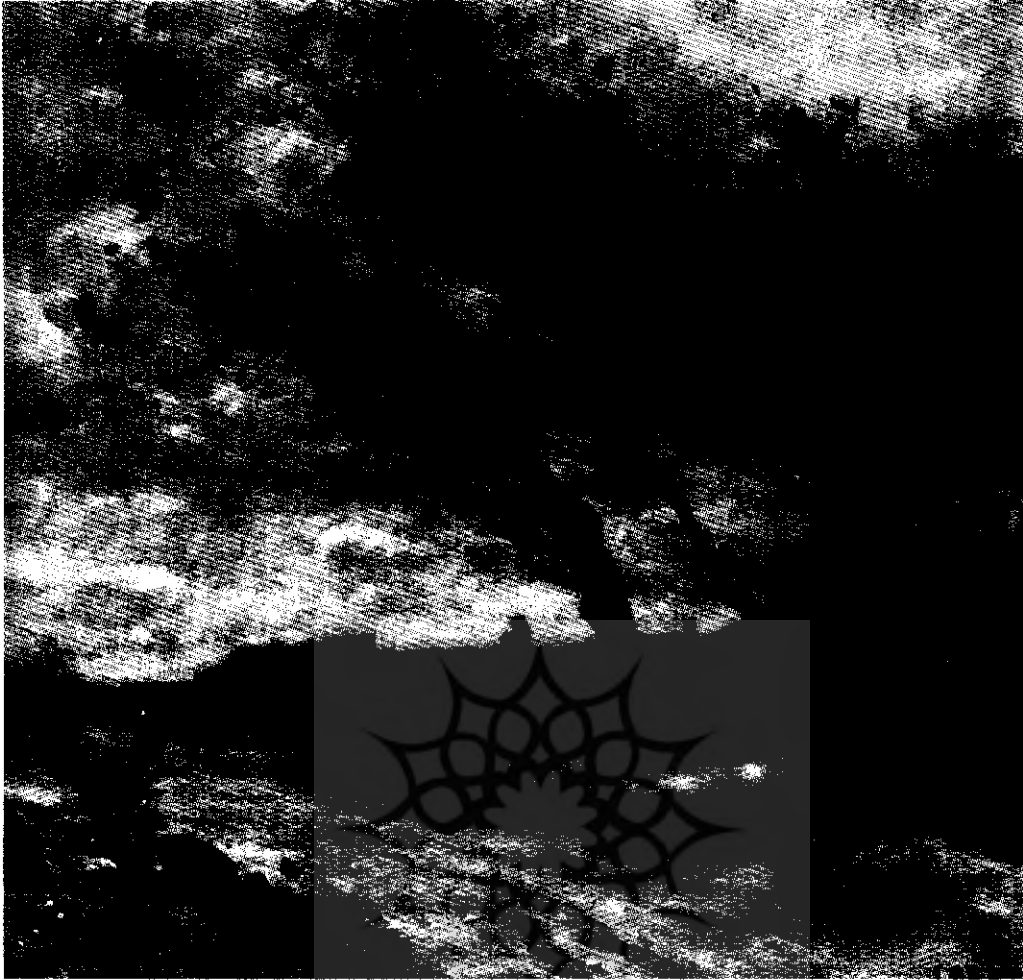
وجود دارد. در برابر اعتراضات، کامی ۲۶ ساله، به آرامی پاسخ می‌دهد: «خب، من می‌خواهم نقاش بشوم.»

بالاخره پدرش راضی می‌شود و مبلغ ۱۵۰۰ فرانک را به او می‌سپارد تا بتواند آنچه را که به آن علاقه دارد دنبال کند. فردای آن روز، کورو خود را در کارگاه نقاشی میخالن (Michalon) که برنده «جایزه رم» برای منظره سازی تاریخی شده است می‌یابد. میخالن او را وادار می‌کند طبیعت را با علاقه و نکته بینی بنگرد و آن را با دقت و ظرافت بازسازی کند. پس از مرگ استاد، کورو به کارگاه «برتن»

ژان بابتیست کامی (Jean Baptiste Camille)، در ۱۶ ژوئیه ۱۷۹۶ در پاریس متولد شد.

در ۱۸۰۷، او به مدرسه روئن وارد شده و تا ۱۸۱۲ در آنجا می‌ماند. در نوزده سالگی، علیرغم قامت بلند و نیرویش، او هنوز بچه‌ای بیش نیست: خجالتی و نسبتاً بی‌دست و پا، که بطور پنهانی علاقه خود به طراحی را پرورش می‌دهد.

از سال ۱۸۱۷ تا ۱۸۲۲، پدرش او را نزدیک تاجر پارچه می‌گذارد. نتایج، چندان راضی کننده نیست و صاحب کار او، بیشتر اوقات کوبین‌های پارچه‌ها را درحالی می‌یابد که روی آنها لکه‌های رنگ و روغن

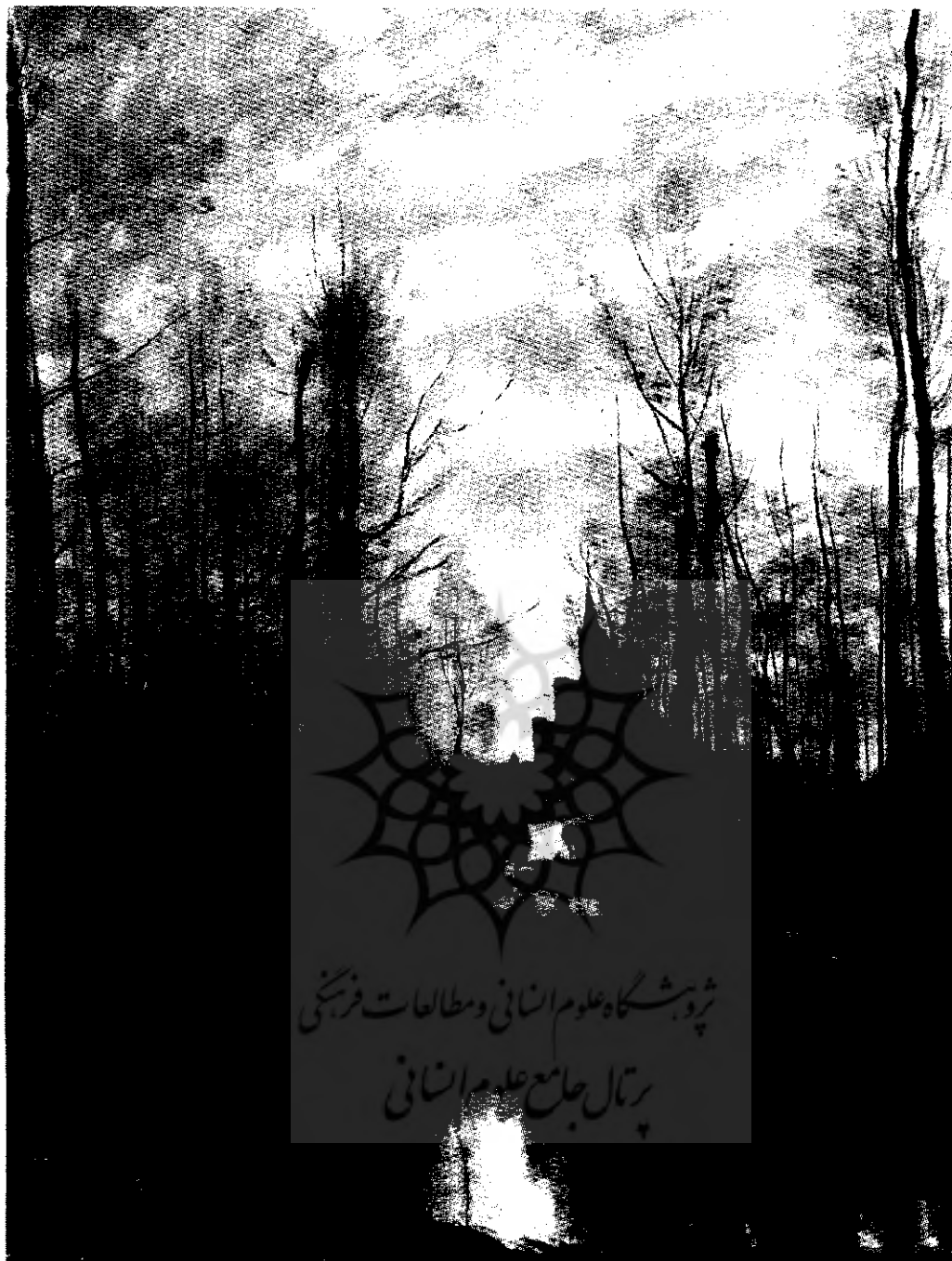


کننده‌ای را برای من پهن می‌کند. احساس می‌کنم، تخته رنگ‌من برای تصویر کردن این صحنه‌ها، ناتوان است.»

در بازگشت به پاریس، او طی چندین سال در کارگاه کوچک خود در خیابان پردی پواسونیر (Paradis Poissonnere) به کار می‌پردازد و کمپوزیسیونهایی را با موضوعات مذهبی و اساطیری خلق کرده و در «سالن» به نمایش می‌گذارد. در این مدت، هرگاه طبیعت و هوا به او اجازه می‌دهند، خود را به نرماندی (Normandie)، برتان (Bretagne) رسانده و در دل طبیعت Avray، جایی که یک منزل پدری دارد، به کار می‌پردازد. کورو در همان حال نیز، به پرتره‌سازی از نزدیکانش ادامه می‌دهد. مدلهای، همیشه از پرتره‌هایی که او نقاشی می‌کند راضی نیستند: فانشت (Fanchette)، پرتره‌ای را که کورو در سال ۱۸۲۸ از او نقاشی کرده است رد می‌کند زیرا آن را «زشت» تشخیص می‌دهد. مردم همچنان به آثار کورو توجهی نشان نمی‌دهند

(J.V.Bertin) وارد می‌شود. برتن نیز متخصص منظره سازی تاریخی است. با این همه اما، مدرسه واقعی او طبیعت است. کورو از موزه‌ها بازدید می‌کند اما نه برای کپی برداری از شاهکارهای موجود، بلکه برای طراحی و نقاشی از چهره بازدید کنندگان یا نقاشانی که برای کپی برداری از آثار، در محل موزه حضور دارند. در ۱۸۲۲، کورو نقاشی‌های خود را در هوای آزاد، در جنگل فونتین بلو، شروع می‌کند.

در پایان تابستان ۱۸۲۵، پدرش شرایط مسافرت او به ایتالیا را که سرزمین موعودی است که همه نقاشان آرزوی دیدار آن را دارند فراهم می‌آورد. سالها، کورو به آرامش، لطافت و آسمان آبی ایتالیا اندیشیده بود. او مانند یک دیوانه کار می‌کند: «ما منظره سازان... تمام روز را دیوانه وار کار می‌کنیم و شب خسته و کوفته دست از کار می‌کشیم؛ برای ما، انجام کار دیگر محال است.» آفتاب و نور سرزمین ایتالیا، در آثار او حضور دارند: «این خورشید، نور ناامید



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

کار خود مشغول است...
 در سال ۱۸۴۳، تابلوی آتش سوزی سودم (Sodome Incendie 1) او به وسیله هیأت داوران «سالن» رد می شود و به نمایش در نمی آید. این بار، مطبوعات واکنش نشان داده و معترض این نوع قضاوت می شوند. اوژن پلتان (Eugen Pelletan) خشمگینانه فریاد می زند: «می دانید که این مردان چه کسی را پذیرفتند؟ کورو، منظره ساز بزرگ ما، بهترین،

اما او نا امید نیست. او به صورت پیوسته و مدام کار می کند و خودارزش کاریش را می داند. طرفداران و ستایشگران هنر او، انگشت شمارند. درحقیقت، عملاً هیچکس تابلوهای او را خریداری نمی کند. با این همه، در سال ۱۸۴۰، منتقدین او را از انزوا خارج می کنند و کورو کم کم به شهرت دست می یابد. اما آنچه در زندگی کورو مهم است شهرت نیست و او بی توجه به آنچه رسماً در مورد او گفته می شود دیوانه وار به



نمایشگاه‌های کوچک بسیار در شهرهای مختلف. نمایشگاه جهانی ۱۸۵۵، برای کورو یک تثبیت موقعیت محسوب می‌شود زیرا ناپلئون سوم، تابلوی خاطرات مارکوسیس (Souvenir de Marcoussis) او را خریداری می‌کند: منتقدین، شایستگی او را ارج می‌نهند اما عادات او تغییر نمی‌کند. همچنان ساده و افتاده، خصوصاً در مقابل «عقاب دلاکروا»، او خود را مانند «چکاوک کوچکی» می‌داند که «ترانه‌های کوچک در ابرهای خاکستری می‌خواند». کورو، «همچنان عاشق طبیعت زیبا»، به دوره‌گردی ادامه می‌دهد: در پری‌گور (Prigord) در هلند، در سویس... و همچنان به شدت به کار کردن ادامه می‌دهد. شهرت و افتخار به قیمت تابلوهای او چیزی نمی‌افزایند اگرچه سی و هشت تایی آنها در Hotel Drouot در ۱۸۵۸ به فروش می‌روند. با این همه، حراج و فروش هائی که از آثار او برپا می‌شود مشکلات مالی او را تا حدودی برطرف می‌سازد. با پول به دست آمده، کورو می‌تواند تقریباً به راحتی زندگی کند اگرچه هر بار، فروش آثارش، او را غمزه می‌کند چرا که برخی تابلوهایش را همچون فرزندانش دوست دارد.

در حوالی سال ۱۸۷۰، سلامتی کورو دچار مشکل می‌شود. علیرغم قدرت بدنی اش و استقامتی که از خود نشان می‌دهد، در چنگال بیماری گرفتار می‌گردد او مجبور است به جز موارد اندکی که برای امور ضروری جابجا می‌شود، باقی اوقات را در آتلیه بکار بپردازد. در همین ایام، توهمین تازه‌ای از سوی

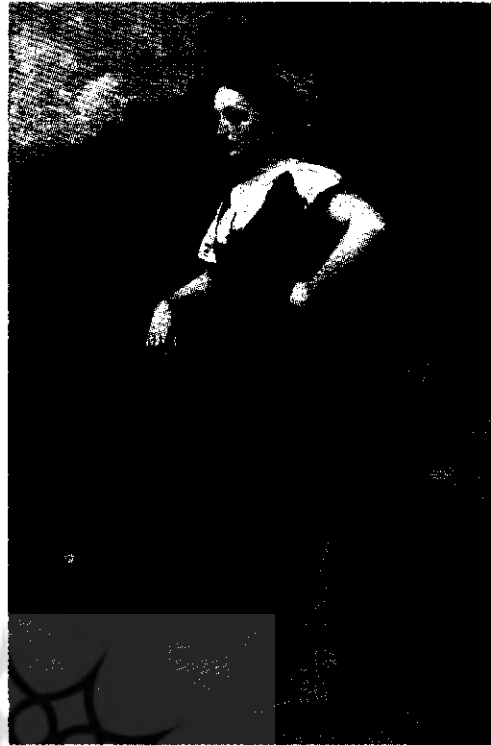


بی‌آزارترین هنرمند، استعداد قابل ستایش که به مدت ۲۰ سال، مبارزه کرده و تحمل نمود. یک استعداد کلاسیک که از اساتید مختلف از «تی‌سین» (Titien) تا «پوسن» (Poussin) الهام گرفته است.». پس از مرگ والدینش، کورو جمعی را ملاقات می‌کند که تعدادی از آنها، نقاش هستند. آنها با محبت بسیار او را احاطه می‌کنند. البته همه چیز روبراه نیست: تابلوی حیرت‌انگیز و عالی «نمای پل دوله روشل»، ۱۸۵۲، به فروش نمی‌رود مگر هیجده سال بعد، پس از مسافرت‌های طولانی و نمایش در

■ نمایشگاهی از مجسمه‌های دوران نازی

موزه گتورگ کوبله در برلین از ۷ اکتبر (۱۵مهر) نمایش مجموعه‌ای از مجسمه‌های بزرگ ساخته شده در دوران نازی در آلمان را آغاز کرد. این نمایشگاه تحت عنوان «یک موضعگیری - نزول هنر مجسمه‌سازی در رایش سوم» برای نخستین بار آثار آرنوبکر، هنرمند دوران نازی را به نمایش گذاشت. علاوه بر آثار وی، ۱۵ مجسمه غول پیکر دیگر از این دوره در معرض

رومی خط خبر



تماشا قرار گرفته‌اند.

این نمایشگاه که قبلاً در شهر «لیدز» در انگلیس نیز برگزار شده بود، تا ۶ ژانویه در برلین ادامه خواهد یافت و سپس در شهر برمن در شمال آلمان برگزار خواهد شد.

اورزل بکر، مدیر موزه هنگام معرفی این آثار گفت: هدف از برگزاری نمایشگاه، معرفی هنر مجسمه‌سازی در رایش سوم نیست، بلکه نشان دادن این واقعیت است که چگونه اعتلای هنری آلمان که تا سال ۱۹۳۳ وجود داشت، طی دو دهه ۳۰ و ۴۰ فرو ریخت. وی افزود این دوران موجب شده است که آلمان حتی پس از جنگ نوم جهانی هم دیگر نتواند در این شاخه هنری، اثری ارزنده به جهان تقدیم کند.

■ موفقیت کاریکاتوربست ایرانی در جشنواره طنز ایتالیا

«بهرام عظیمی»، کاریکاتوربست ایرانی، دیپلم افتخار و لوح تقدیر، هفدهمین جشنواره بین‌المللی طنز «آندرومدا» ایتالیا را کسب کرد. این جشنواره پاییز هر سال در کشور ایتالیا برگزار می‌شود. به گزارش خانه کاریکاتور «بهرام عظیمی» در میان ۵۰۰ کاریکاتوربست از ۴۶ کشور جهان در بخش کاریکاتور به این موفقیت دست یافت. این هنرمند ۳۵ ساله همچنین جوایز جشنواره‌های «تأمی جون» کره جنوبی، ششمین دوره طنز آرژانتین و نخستین دوره طنز روسیه را در یک ماه گذشته تصاحب کرده است. عظیمی در طول نوازده سال فعالیت در زمینه کاریکاتور، گرافیک و نقاشی تاکنون ۲۰ جایزه را در کارنامه خود به ثبت رسانده است.

«سالن» او رامی‌آزارد: نمایشگاه، اختصاص مدال طلای ۱۸۷۴ را که بسیاری او را شایسته دریافت آن می‌دانستند رد می‌کند. این واقعه به همراه مرگ خواهرش، مادام سنگون (Madame Sennegon)، روحیه او را درهم می‌شکند.

در ۱۸۷۵، در ۲۲ فوریه، رشته حیات کورو در حالی که تا آخرین لحظات حیاتش، امیدوارانه به ستایش شاعرانه طبیعت مشغول است و دمی از کار کردن فرو نمی‌ماند، می‌گسلد. چند ماه قبل از مرگ، علم پزشکی به او مهلت داده بود که بتواند برای مدتی بر بیماری و ناتوانی فائق آمده و چند تابلوی دیگر بیافریند. آثار کورو با افق‌های وسیعش، با آسمان‌های عمیق و شفاف و رازدارش، بادرختانی که گاه در گذر باد به آواز لب‌گشوده‌اند، نمایش پر جنب و جوش اما شاعرانه طبیعتی است که در زیر قلم ظریف و توانای منظره‌ساز ساکت و آرام فرانسوی جان گرفته است.

برای کورو، نور و نمایش آن بسیار اهمیت داشت. مطالعات او از مناظر و طبیعت، اتمسفر شاعرانه‌ای را نمایش می‌دهند که در آن، مه‌ای سبک و آرام صحنه را فرا گرفته است. در حقیقت، او امپرسیونیسم را به وسیله تخته رنگ‌روشن و شفاف خود اعلام نمود: چیزی که او را، به همراه آنالیز ظریف تنوع نور، از نقاشان «باربیزون» جدا می‌کند.